

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی
سال نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۴۰۲

سیمای نوع دوستانه امام علی (ع) در اندیشه عطار و مولوی

بشیر اشرفی^۱

قربان علمی^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی سیمای نوع دوستانه و ایثارگرانه امام علی (ع) در اندیشه عطار و مولوی پرداخته است. مطالعه آثار آن‌ها نشان می‌دهد که علت اقبال انسان امروزی به اندیشه‌های آن دو، به تأکید آن‌ها بر ارزش، حرمت و کرامت انسان برمی‌گردد و مهمترین جلوه آن، دوست داشتن آن‌ها و خدمت نمودن به آن‌ها، یعنی نوع دوستی است. آن دو در آثار خود، علاوه بر مدح صادقانه و پاک امام علی (ع) و بیان ویژگی‌های وی، اشاراتی به حوادث مهم زندگی او دارند، که بیانگر شخصیت نوع دوستانه و ایثارگرانه اوست که خدا درباره‌اش می‌فرماید: «و برخی از مردم برای به دست آوردن خشنودی خدا جان خویش را فدا می‌کنند». آن‌ها امام علی (ع) را الگوی بزرگ فضایل اخلاقی، به‌ویژه محبت، اخلاص، نوع دوستی و ایثار ستوده و مردم را به پیروی از او ترغیب نموده‌اند. زیرا او، که به گفته عطار «کوه حلم و باب علم و قطب دین» است، اصل نخست در معاشرت با مردم را محبت، احترام و دوستی دیگران دانسته و خطاب به مالک می‌فرماید: «قلب خویش را از مهر مردم و دوستی و لطف آنان سرشار کن». در واقع سیره عملی زندگی ایشان احترام کامل و اعتماد به دیگران بوده است. مولوی نیز او را «افتخار هر نبی و هر ولی» دانسته و او را مولای همه زنان و مردان مؤمن می‌خواند که همواره نوع دوستی را یکی از اصول مهم تعالیم خود شمرده و قلبش مملو از دوست داشتن مردم و هدایت آن‌ها بوده است.

واژگان کلیدی:

نوع دوستی، ایثار، امام علی (ع)، عطار، مولوی.

۱- دانشجوی دکتری عرفان، دانشگاه تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه تهران، ایران. نویسنده مسئول: gelmi@ut.ac.ir

بیان مسأله

انسان از آن جهت که زندگی اجتماعی دارد مدام با انسان‌های دیگر در ارتباط بوده و در قبال دیگران دارای وظایف و حقوقی است. او در جامعه و در ارتباط با دیگران می‌تواند دو گونه عمل کند: خودخواهانه و دیگرخواهانه. به بیان دیگر، خودخواهی و دیگرخواهی دو نیروی قدرتمند در زندگی شخصی و اجتماعی انسان‌ها است. انسان خودخواه به جهت محصور بودن در حصار "خود" اساساً متوجه غیر نیست تا برای او حقی قائل شود. در صورتی که بقا و رفاه انسان مدیون همکاری و تعامل با هم‌نوعانش است و بدون همراهی و همیاری با دیگر انسان‌ها نمی‌تواند همه نیازهای خود را رفع نموده و همه موانع را از سر راه زندگی برداشته و پیشرفت نماید. زندگی گروهی انسان‌ها زمانی شایستگی اطلاق عنوان "جامعه انسانی" خواهد داشت که در آن حقوق هر کس از سوی دیگران محترم شمرده شده و هر کس از ناحیه دیگران در امنیت کامل مادی و معنوی به‌سربرد. البته، در امان بودن هر انسانی از ناحیه انسان‌های دیگر از شرایط اولیه انسانیت است؛ اما اصول متعالی دیگری نیز وجود دارد که باید تحقق یابند تا انسان‌ها بتوانند در پرتو آن به زندگی اجتماعی آرمانی دست یابند. از جمله آن اصول "نوع‌دوستی (Altruism)" و از خودگذشتگی است.

نوع‌دوستی یا کمک‌رسانی داوطلبانه و آگاهانه به دیگران، از ضرورت‌های اساسی روابط روزمره اجتماعی است که به اعتقاد برخی محققان، در جوامع معاصر در حال کاهش است و به‌ویژه در محیط‌های شهری، یکی از مسائل مهم اجتماعی به‌شمار می‌آید (Aronson, 2002, 398). می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های زندگی جدید نیز کم‌رنگ شدن انسانیت و ارزش‌های انسانی، حاکم شدن حرص، آز، خشم، خشونت، شهوت، به‌جان‌هم‌افتادن انسان‌ها و رنگ‌باختن روابط انسانی مطلوب، از هم دور شدن قلب‌ها و رنگ‌باختن محبت‌ها و عاطفه‌های انسانی است، که مهمترین علت آن خودخواهی بسیاری از انسان‌ها و فراموش شدن روحیه ایثار، احسان و نوع‌دوستی است که اساساً یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است و تضعیف آن، می‌تواند منجر به اختلال رابطه‌ای در جامعه گردد. سی‌رایت میلز (C.W.Mills) نیز یکی از مسائل اجتماعی مهم جوامع امروزی را کاهش حس نوع‌دوستی می‌داند. به همین دلیل توجه به نوع‌دوستی و چگونگی تقویت آن در روابط اجتماعی بسیار مورد توجه است (احمدی، ۱۳۸۸، ۸۸).

انسان‌ها در تمام جوامع بشری، نیازمند به شکوفایی ارزش‌هایی است که می‌تواند موتور محرکه پیشرفت معنوی، اخلاقی و دنیوی آن‌ها باشد. در رأس این ارزش‌ها می‌توان به نوع‌دوستی اشاره نمود، که والاترین و بهترین ارزش‌هایی است که یک فرد متعهد و پای‌بند به ملاک‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند به آن دست یابد.

این مقاله به بررسی و تحلیل سیمای نوع‌دوستانه و ایثارگرانه امام علی(ع) در آثار عطار و مولوی می‌پردازد، که ترسیم حیات نوع‌دوستانه امام علی(ع) از سوی این دو شخصیت تاثیرگذار در حیات بشری می‌تواند اهمیت و لزوم رابطه نوع‌دوستانه در این روزگار و حل مشکلات ناشی از خودمحوری انسان معاصر را نشان‌دهنده و دربردارنده پیام‌هایی جذاب و تازه برای روزگار پرمشغله و بحرانی امروز باشد.

در زمینه جایگاه نوع‌دوستی و صلح‌طلبی از دیدگاه عطار نیشابوری پایان‌نامه‌ای در دانشگاه شهید چمران اهواز کارشده‌است اما از اندیشه و خصوصیات امام علی در آن سخنی به میان نیامده‌است. همچنین از دیدگاه مولوی در زمینه نوع‌دوستی مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روان‌شناختی دیدگاه مولوی در موضوع نوع‌دوستی» در دانشگاه قم توسط محمد کویانی و سمیه سادات موسوی در سال ۱۳۸۹ تألیف شده‌است. که باز به خصوصیات و جایگاه امام علی نپرداخته‌است.

لذا هرچند، آثار زیادی در باب اندیشه‌های انسان‌شناسی عطار و مولوی انجام‌گرفته اما در مورد آموزه‌های نوع‌دوستی، به‌ویژه ارائه الگویی همچون امام علی(ع) بحثی جدی نشده‌است.

جایگاه امام علی(ع) در عرفان اسلامی

همه مسلمانان در باره شخصیت بارز و حکمت آموزه‌های امام علی(ع) اتفاق نظر دارند. او پس از پیامبر (ص)، به عنوان برترین نمونه است که سنت عرفانی اسلام از آن به "انسان کامل" تعبیر می‌کند. امام علی(ع) در سنت‌های معنوی و عرفانی اسلام نقشی مهم و اساسی داشته‌است و در این ارتباط تنها اوست که در مرتبه بعد از شخص پیامبر(ص) قرار دارد و از طریق اوست که می‌توان به حقیقت دین پیامبر اسلام راه یافت «عطار، بی‌تا: ۳۰؛ مولوی، ۱۳۳۶: ۱۸۵). زیرا تنها او است که باب شهر علم پیامبر است - «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأت الباب» و «أنا دارالحکمة و علی بابها» (متقی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۶۰۰).

بر اساس منابع اصیل عرفان اسلامی، سلسله ولایت همه طریق معتبر عرفانی به امام علی(ع) متصل می‌شود. در کتاب‌های طبقات الصوفیه سلمی یا خواجه عبدالله انصاری، تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری و طریق الحقایق معصوم علیشاه، سلسله اتصال عارفان و طریق نامدار به امام علی(ع) بیان شده‌است و هر طریقتی نیز جداگانه سلسله اجازت خود به امام علی(ع) را محفوظ داشته‌است. سلسله‌هایی که از طریق امام علی(ع) خود را با پیامبر اسلام (ص) پیوندزده، در سراسر جهان اسلام نفوذ کرده و روح پیام

او را در همه جوامع مسلمان، سنی و شیعه، از مراکش در غرب تا مجمع‌الجزایر مالایی در شرق، از منطقه اورال در شمال اروپا تا مناطق جنوب آفریقا ترویج نموده‌اند. لذا هر جا که عرفان و تصوف رواج داشته‌است، نام امام علی (ع) در آنجا حضور داشته‌است. اغراق‌آمیز نیست که جنید (متوفای ۲۹۷)، که به "شیخ الطایفه" صوفیان معروف است، امام علی (ع) را امام طریقت تصوف می‌دانست. چنانکه هجویری در وصف امام (ع) می‌نویسد: "او را اندر این طریق شأنی عظیم و درجتی رفیع است و اندر دقت عبارت از اصول حقایق حظی تمام داشت؛ تا حدی که جنید رحمه‌الله گفت: «شیخنا فی الأصول و البلاء علی المرتضی». شیخ ما اندر اصول و اندر بلا کشیدن علی مرتضی است، رضی الله عنه؛ یعنی اندر علم و معاملات امام این طریقت علی است، رضی الله عنه از آن که علم این طریقت را اهل این، اصول گویند و معاملاتش بجمله بلا کشیدن است" (هجویری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲).

دو عارف برجسته سده ششم و هفتم، عطار نیشابوری و جلال‌الدین بلخی، که نوع دوستی همواره یکی از اصول مهم تعالیم آن‌ها بوده است، در آثار خود امام علی (ع) را به عنوان الگوی بزرگ فضایل اخلاقی، به‌ویژه محبت، اخلاص و نوع‌دوستی و ایثار ستوده و مردم را به پیروی از او ترغیب نموده‌اند. عطار نیشابوری از امام (ع) تعبیر به «کوه حلم و باب علم و قطب دین» و جلال‌الدین رومی، که با عنوان "مولانا" شناخته می‌شود - لقبی که در رابطه با امام علی (ع) معنی‌دار و مهم است و پیامبر (ص) او را به این عنوان، یعنی مولای همه زنان و مردان مؤمن خواند (Shah-Kazemi, 2019, xviii) - از امام (ع) به عنوان "افتخار هر نبی و هر ولی" یاد می‌کند (مولوی، ۱۳۳۶: ۱۸۴).

نوع دوستی

نوع‌دوستی در لغت به معنی علاقه به دیگران و کمک به آن‌ها، محبت و خیرخواهی بی‌ریا و بی‌توقع و آرزوی خوشبختی و سعادت برای دیگران بدون انتظار پاداش است. این مفهوم ترجمه واژه *Altruism* است که از ریشه *Alter* به معنای غیر، دیگر و دیگری گرفته شده و بیانگر رفتاری است که هدف آن نفع رسانی به دیگران است. با اینکه بسیاری از اندیشمندان معتقدند تنها انگیزه تحرک انسان خودخواهی است و او اساساً به دنبال برآورده ساختن نیازها و امیال خود است (احمدی، ۱۳۸۸، ۸۸)، آگوست کنت نخستین بار مفهوم نوع‌دوستی را به‌کاربرد و معتقد بود در هر انسانی دو نیرو یا انگیزه مجزا وجود دارد. یکی از آن‌ها معطوف به خود و ر تعقیب منافع خود است که خودخواهی است و دیگری معطوف به دیگران و در جهت منفعت دیگران است که نوع‌دوستی است. از نظر کنت، نوع‌دوستی شالوده زندگی در جامعه است (Scott & Seglow, 2007, 15).

در منابع اسلامی از نوع دوستی به ایثار تعبیر می‌شود، که از برجسته‌ترین فضایل و ارزش‌های انسانی است که در قرآن و سخنان پیشوایان اسلام بسیار ستوده شده‌است؛ از جمله قرآن کریم درباره‌ی ایثار جانی حضرت علی (ع) می‌فرماید: «و برخی از مردم برای به‌دست آوردن خشنودی خدا جان

خویش را فدای می‌کنند» (بقره: ۲۰۷) و درباره اصحاب پیغمبر یعنی انصار- که در حال فقر، از برادران مهاجر خود، با تقسیم اموال و خانه‌های خویش پذیرایی کردند و آنان را بر خود مقدم داشتند- می‌فرماید "و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة" (حشر: ۹). واژه «ایثار» از ریشه «أثر»، به معنای «برگزیدن» و «مقدم داشتن چیزی» است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶، ۱۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱، ۳۲). در تعریف آن گفته اند: ایثار بذل کردن و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن، دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را مقدم داشتن است.

ایثار به معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است» (دهخدا، ۱۳۷۹: ج ۸، واژه ایثار). و در اصطلاح عبارت است از «بخشش به کسی در مورد چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد» (نراقی، بی تا: ۲، ۱۲۲) ایثار به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خود مقدم داشتن و مانند آن است. به عبارتی، به معنای از خود گذشتن و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است و در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، با وجود نیاز به آن (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۴۲) مرتضی مطهری نیز در کتاب انسان کامل در تعریف ایثار می‌گوید: ایثار یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت، یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج را دارد و در عین کمال احتیاج، دیگری را بر خود مقدم می‌دارد. ایثار یکی از باشکوه‌ترین مظاهر انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستوده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۵۷). ایثار از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسان‌های بزرگ به این قله شامخ صعود می‌کنند.

نقطه مقابل ایثار، خودخواهی و خودپرستی است که انسان را از کارهای ارزشمند بسیاری باز می‌دارد. خودخواهی یعنی این که انسان همه چیز را برای خودش بخواهد و خویشتن را بر دیگران مقدم کند. طبیعی است که با وجود این صفت، ایثار و فداکاری برای او معنا و مفهومی نخواهد داشت، چون در صورت شرکت در فعالیت‌های ایثارگرایانه و دادن جان، همه چیزش را از دست رفته می‌بیند و به نظر او نتیجه‌ای عایدش نخواهد شد. از این رو خودپرستی و خودخواهی سرچشمه گناهان بزرگی نظیر حب دنیا، حب مال و بخل و امثال آن‌ها می‌شود که هر کدام مانع مهمی در نیل به سعادت ابدی است. امام علی (ع) علیه السلام می‌فرماید: «از این که آنچه را مردم در آن یکسان بهره‌دارند برای خود برگزینی، سخت پرهیز کن و این که خود را از آنچه برای هر بیننده آشکار گردیده به غفلت و امداری و به خود اختصاص دهی که آن از تو گرفته و به دیگری داده خواهد شد» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۱۶).

نوع دوستی در عرفان و تصوف اسلامی

«از لحاظ معنی، تصوف بر یک عقیده قلبی و دو وظیفه عملی تکیه دارد. عقیده قلبی عبارت است از خداپرستی عاشقانه و دو وظیفه عملی، محبت و خدمت به همه انسان‌هاست.» (رجایی، ۱۳۴۵: ۲۵۸)

خدا بی‌نیاز مطلق است و به خدمت و محبت ما نیازی ندارد. انسان‌ها تجلیات ذات و وجود خدا هستند و به محبت و خدمت نیازمند؛ بنابراین، محبت و خدمت به آن‌ها می‌تواند مهمترین جلوه عبادت عاشقانه او باشد:

عبادت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دل‌لق نیست

(سعدی، ۱۳۶۹: ۵۵)

صوفیه و عرفا عبادت را در زبان فارسی به پرستش ترجمه کرده‌اند و پرستیدن را به معنی خدمت کردن نیز به‌کار برده‌اند. از سوی دیگر، صوفیه در کنار خدمت، عنصر مهم دیگری را نیز تقویت کردند و آن محبت بود. آن‌ها محبت را مکمل خدمت و به ثمر رساننده آن شمرده‌اند. محبت بلاشرط و بلاعوض برای همه افراد بشر بدون توجه به رنگ پوست، نژاد، دین، مسلک و کشور، چیزی که هنوز بشر سده‌ها اخیر به آن نرسیده‌است. در مسلک تصوف محبت همه جا فوق قدرت و خشونت توصیه شده‌است. صوفیان، در قالب موضوعات گوناگونی به موضوع محبت و خدمت به هم‌نوع پرداخته‌اند. این موضوعات می‌توانند نمونه‌هایی از محبت و خدمت به هم‌نوع باشند و یا مقدماتی باشند که بستر محبت و خدمت به هم‌نوع را فراهم‌کنند. محبت و خدمت به هم‌نوع هم در ابتدای کار سالک به او در پیشرفت معنوی کمک می‌کند و هم پس از رسیدن سالک به کمال مقصود، به صورتی پخته و کمال یافته در زندگی معنوی او نمود می‌یابد.

قشیری ایثار را والاترین مرتبه بذل، بعد از «سخا» و «جود» معرفی می‌کند. سخا به این معنی است که فرد چیزی به همان اندازه می‌بخشد که برای خود نیز نگه می‌دارد؛ یعنی سهم او برابر با سهم کسی است که مورد سخاوت اوست. جود، مرحله‌ای بالاتر است و به آن معناست که فرد سهم بیشتری از آنچه خود دارد، می‌بخشد. اما ایثار، بالاترین رتبه بذل است و آن است که فرد با تحمل سختی، همان اندک سهمی را که نصیب اوست به دیگری ببخشد. (قشیری، ۱۳۴۰: ۴۰۲)

او در ابتدای باب جود و سخا، حدیثی از پیامبر با این مضمون نقل می‌کند که هرکس سخاوتمندتر باشد، به خلق و به خدا نزدیک‌تر و از دوزخ دورتر است و هرکس بخیل‌تر باشد، از خدا و خلق خدا دور و به دوزخ نزدیک‌تر است. (قشیری، ۱۳۴۰: ۴۰۱) او تا انتهای باب، روایات فراوان درباره چندین تن از صوفیان می‌آورد که بیان‌گر ایثارگری‌های آنان در راه خدا و تحمل دشواری در قبال رساندن راحتی به دیگران و برآورده نمودن حاجتی از آنان است. هم‌چنین روایاتی در موضوع حفظ عزت و آبروی درخواست‌کننده و حاجت‌مند آمده‌است که صوفیان در آن باره نیز می‌کوشیدند و مراقبت می‌نمودند و حسن ختام این باب از رساله قشیری کلامی از ابوعلی دقاق است که: «سخا نه آن است که صاحب مال عطا دهد؛ سخا آن است که تهی دست از نیستی عطا دهد توانگر را.» (قشیری، ۱۳۴۰: ۴۱۶).

پیش از باب مذکور، قشیری بابی در «فتوت» مطرح کرده است که با موضوع محبت و خدمت ارتباط دارد. نخست بر اساس حدیثی از پیامبر، فتوت را در این دانسته که بنده دائم درکار غیر خود مشغول باشد و می‌گوید حاجت او تا جایی از سوی خداوند اجابت می‌شود که او در رفع حاجت برادر مسلمان خود بکوشد. برخی از معانی که از قول صوفیان و عارفان برای فتوت ذکر می‌کند، از این قرار است: بخشیدن و درگذشتن از لغزش‌های برادران، تواضع و برتری‌ندادن خود بر دیگری، نداشتن خصومت و دشمنی با کسی، عدم تمییز بین کافر و ولی در اطعام، بذل و بخشش و ایثار.

نوع‌دوستی در اندیشه عطار و مولوی

می‌توان گفت که در ادبیات اصیل مربوط به عرفان و تصوف، حس نوع‌دوستی جایگاهی ویژه داشته و عالی‌ترین درون‌مایه عرفان اسلامی است. عارفان بزرگ اندیشه‌ای بشری و جهانی و به دور از تعصب و قشری‌نگری دارند و همواره انسان را به صفات نیکویی چون: تحمل یکدیگر، بخشش، احسان، بلندنظری، آزاداندیشی و دوست‌داشتن یک دیگر، پرهیز از تنگ‌نظری و خودمحوری و ... توصیه می‌کنند که همگی زمینه‌ساز نوع‌دوستی است. در این میان، از مطالعه آثار عطار و مولانا می‌توان دریافت که علت اقبال انسان امروزی به اندیشه‌های آن دو و راز استقبال عظیم مردم امروز دنیا، از آثار آن‌ها به تأکید آن‌ها بر ارزش، حرمت و کرامت انسان برمی‌گردد. مهمترین جلوه این ارزش و حرمت نهادن به انسان‌ها، که به صورت خدا آفریده شده‌اند، دوست‌داشتن آن‌ها و خدمت‌نمودن به آن‌ها، یعنی نوع‌دوستی است.

چنانکه عطار در باب نوع‌دوستی عرفا می‌گوید: «روحیه ایثار و جوانمردی، آنان را از بشر بودن فراتر برده است و به مرتبه‌ای از اندیشه معنوی و فرامادی رسانده است که حاضرند درد و بلائی دنیایی و آخرتی مردمان را نیز تحمل کنند؛ همچنان که از سرّی سقطی نقل می‌کنند: «خواهم که آنچه بر دل مردمان است بر دل من استی از اندوه تا ایشان فارغ بودندی از اندوه» (عطار، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

مولانا که شیواترین بیان را در ارائه تعالیم صوفیه دارد و زبان گویای صوفیان است، مطالب بسیاری را در مثنوی معنوی، دیوان شمس و فیه‌مافیه درباره محبت و خدمت به هم‌نوع مطرح کرده است. او در فیه‌مافیه می‌گوید: «محبت صفت حق است. اگر در خلق محبتی باشد، عکس محبت حق باشد که در ایشان از حق یافته است، همچو روشنی خانه‌ها و سراها و یقین است که تاب آفتاب است.» (بلخی، ۱۳۷۵: ۵۴۲) مولانا اشتغال کسانی را که در اجتماع صاحب مسئولیت بودند، خدمتی بزرگ تلقی می‌کرد زیرا آن اشتغال در جهت ایجاد رفاه مردم بود. از نظر او خدمت به مردم نیز عین عبادت و سبب رضایت خداوند است. (همان ۲۲)

درباره‌ی خصوصیات شخص او گفته شده است که خود را برای خدا وقف کرده بود و برای خدمت هر چه بیشتر به آنان، بر خستگی و گرسنگی خود غلبه می‌کرد. با اینکه مورد توجه پادشاهان و

امرا بود، بیشتر با فقرا و حاجت‌مندان می‌نشست و اکثر مریدانش از طبقات محروم بودند. درباره ادیان و مذاهب گوناگون، نگاهی وسیع و فکری بازداشت و میان آنان فرقی قائل نبود. مردمی را که از هر طبقه‌ای برخاسته بودند و نیازمند دیدار و صحبت و نصیحتش بودند، می‌پذیرفت. حتی به جمع اوباش شهر یا رومیان مسیحی می‌رفت زیرا معتقد بود آنان شیخ و مرشد می‌خواهند تا هدایت‌شوند و به همین ترتیب افراد بسیاری به دست او توبه کردند. هرچند در زندگی مورد طعنه‌ها و تهمت‌های گوناگونی بود، هرگونه آزار و اهانت را با شکیبایی تحمل می‌کرد و واکنشی نشان نمی‌داد. و هرگز با آزار رسانان مقابله به‌مثل نمی‌کرد.

سیمای نوع‌دوستانه امام علی(ع) در اندیشه عطار و مولوی

رفتار انسان‌های بزرگ در تعالی و رشد سالکان کمال و معرفت و تبدیل آن‌ها به شخصیت‌های تأثیرگذار نقشی مهم داشته است. به همین جهت، عرفا معمولاً بر لزوم راهنما و مرشد در تربیت اخلاقی و تحول انسانی بیشتر تأکید می‌ورزیده‌اند (قشیری، ۱۳۴۰: ۷۲۹). آثار عارفان بزرگ مسلمان، در رأس آن‌ها عطار و مولوی، نشان می‌دهد که آن‌ها ضمن تأکید بر داشتن راهنمای معنوی در سلوک و تربیت اخلاقی، بر نقش دو شخصیت برجسته و بارز در این میان، یعنی حضرت محمد(ص) و امام علی(ع) اصرار داشته، گفتار و کردار آن دو را اسوه انسان و انسانیت دانسته و ابعاد شخصیتی آن‌ها، از قبیل مهربانی، شجاعت، مردانگی، نوع‌دوستی و ایثار را همواره الهام‌بخش روح و جان خود می‌دیده‌اند. عطار در چهار مثنوی اسرارنامه، الهی نامه، مصیبت نامه و منطق الطیر- که در انتساب آن‌ها به عطار هیچ شبهتی وجود ندارد- و مولوی در دو اثر گرانسنگ خویش یعنی «مثنوی معنوی» و «دیوان کبیر» به مناسبت‌های مختلف به بسیاری از موضوعات مرتبط با امام علی(ع) پرداخته‌اند، که در جای خود نیازمند به شرح و تبیین عالمانه و عارفانه هستند، ولی در این مقاله به بیان آن‌ها در باب نوع‌دوستی امام (ع) پرداخته خواهد شد.

عطار امام علی را بزرگتر از آن می‌داند که قابل وصف باشد و معتقد است کسی که می‌خواهد طریق خودشناسی را بیاموزد، نخست باید علی(ع) را بشناسد و خویش را با جوهر اصیل انسانیت او مقایسه نماید:

مرا کی زهره اسرار گفتن طریقی حیدر کبر گفتن

من که باشم که زند لاف شناخت او شناسا شد که جز او را شناخت

(عطار، ۱۳۶۳: ۱۵)

عطار، با توجه به زمینه‌های تاریخی، امام علی(ع) را امام رهنمای و تنها امام از مشرق تا به مغرب معرفی می‌کند که برای این کار انتخاب شده است (عطار، بی تا: ۳۱). لذا پیروی از او پاداش احسن و

عاقبت به خیری دارد (عطار، ۱۹۴۰: ۲۶). زیرا او قلب قرآن و مولای بر گزیده از سوی پیامبر اسلام (ص) در غدیر است (عطار، ۱۳۸۵: ۳۵).

مولوی هم او را افتخار همه انبیا و رسولان الهی در طول تاریخ انسانی دانسته و تکریم وی را تکریم انبیا، می‌داند:

او خدو انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

(مولوی، ۱۳۳۶: ۱۸۴)

این مصرع اخیر به احتمال قوی اشاره به سخن خود امام علی (ع) است که فرمود: «کنت مع جمیع الانبیاء سرّاً و مع خاتمهم جهراً: من با همه پیامبران همراه نهانی بوده‌ام و با پیامبر اسلام، همراه آشکار». (سبزواری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۵۸). مولوی نیز با استناد به واقعه «حجه الوداع» و حدیث «غدیر» (نک: الطهمانی النیسابوری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۳۱۸)، علی (ع) را تنها کسی که صلاحیت مولویت برای تمام مسلمانان و بلکه تمام انسان‌ها دارد دانسته و در دفتر ششم مثنوی می‌گوید:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود وان علی «مولا» نهاد

گفت: هرکو را منم مولا و دوست ابن عم من علی مولای اوست

کیست مولا ان که ازادت کند بنده رقیبت ز پایت برکند

چون به ازادی نبوت هادی است مؤمنان را زانییا ازادی است

(مولوی، ۱۳۳۶: ۱۲۶۵)

مولوی در این جا «مولا» را به معنای «آزادی‌بخش» به کار برده است که مانند انبیا الهی می‌تواند همه ما را از تمامی بندها، به‌ویژه از صندوق شهوات تن، بت نفس، نجات بخشد. لذا مولوی معتقد است امام علی (ع) که به مقام شامخ آزادی و آزادسازی رسیده است می‌تواند انسان‌ها را به حریت نائل گرداند. عطار به انصاف ویژگی‌ها و صفاتی را برای علی (ع) برمی‌شمارد که از جلوه‌های نوع دوستی است. چنانکه او را بحر جود معرفی می‌کند که ابر دریا پرتو جود اوست و وارسته از دنیا و هرآنچه در آن است:

ز جودش ابر دریا، پرتوی بود به چشمش عالم پرزر، جوی بود

ز طفلی تا که خود را میر کردی برین دنیای دون تکبیر کردی

چو دنیا آتش و تو شیر بودی ازان معنی، ز دنیا سیر بودی

(عطار، ۱۳۸۴: ۲۲)

جلوه‌های نوع دوستی در سیره امام علی (ع)

امام علی (ع)، به عنوان کامل‌ترین تربیت یافته مکتب اسلام از تمامی انسان‌ها می‌خواهد که به چشم هم‌نوع به یکدیگر بنگرند، کرامت انسانی را در میان هم پاس دارند و در رفع حوائج یکدیگر بکوشند، در گرفتاری‌ها به یاری هم بشتابند و انسان‌های دیگر را دوست بدانند. چنانکه می‌فرماید: «کوشش در راه اصلاح توده مردم، از کمال خوشبختی است» (غررالحکم، ح ۹۳۶۱). و در نامه‌ای به محمدبن ابی بکر والی مصر می‌نویسد: «بال‌های محبت را برای آن‌ها بگستر و پهلوی نرمش و ملایمت خود را بر زمین بگذار و چهره خویش را برای آن‌ها گشاده‌دار» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: نامه ۲۷).

از بهترین نمونه‌های ایثار امام علیه‌السلام همدردی با محرومین است امام علی در دوره خلافت بیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف و کم درآمد تطبیق دهند که رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۲۰۹).

عطار در آثار خود، علاوه بر مدح صادقانه و پاک امام علی (ع) و بیان صفات و ویژگی‌های وی، اشاراتی به حوادث مهم زندگی او، به‌ویژه وقایعی که در زمان پیامبر (ص) روی داده و آیات و احادیثی در مورد آن‌ها وارد شده، دارد که بیانگر شخصیت نوع دوستانه و ایثارگرانه او دارد. عمده این اشارات بر شواهد تاریخ، مستندات قرآنی و گفتار پیامبر اسلام (ص) مبتنی است.

ایثار جان

عالی‌ترین مرتبه نوع دوستی ایثار جان است و کمتر کسی حاضر می‌شود که زندگی دیگری را بر زندگی خود مقدم‌بدارد. ایثار در جان، مرتبه انسان کامل است. از این رو؛ ایثار امام علی (ع) در لیلۃ المبیت مورد ستایش خداوند متعال قرار می‌گیرد: «و کسانی از مردم، جانشان را برای به دست آوردن رضای خدا، سودامی‌کنند» (بقره: ۲۰۷).

یکی از اشارات عطار به وقایع زندگی علی (ع)، داستان لیلۃ المبیت یا خوابیدن امام (ع) در بستر پیامبر (ص) است. آن‌گاه که جبرئیل با آیه «و ادیمکربک الذین کفروا لیشوتک» پیامبر را از نقشه کفار آگاه نمود، «به فرمان حق او را فرمود که امشب از خوابگاه خود برخیز. رسول خدا برخاست و علی (ع) را آن شب به خوابگاه خویش بخوابانید...»

چون به سوی غار می‌شد مصطفی خفت آن شب بر فرازش مرتضا

کرد جان خویش را حیدر نثار تا بماند جان آن صدر کبار

(عطار، بی تا: ۳)

به دلیل چنین فداکاری عظیمی، آیه ۲۰۷ بقره در شأن حضرت امیر (ع) نازل شد: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ».

ترجیح دادن دیگری بر خود در هنگام نیاز

ارزشمندترین مرتبه نوع دوستی ترجیح دادن دیگری بر خود در حالی که خود نیازمند است. عطار با استناد به روایت‌های مستند امام علی، حضرت فاطمه (س) و امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - را مصداق عینی این مرتبه از نوع دوستی و ایثار می‌داند. در شأن نزول آیات پنجم تا بیست و دوم سوره انسان، از ابن عباس نقل شده که: حسن و حسین - علیهما السلام - بیمار شدند، پیامبر اکرم (ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی (ع) فرمودند: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. امام علی (ع) و فاطمه (س) و فضه که خادمه آنها بود، نذر کردند که اگر آنها شفایابند، سه روز روزه بگیرند. پس از شفای آن دو، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - و فضه برای وفای به آن نذر روزه گرفتند. طبق روایتی، در شب اول غذایشان را به مسکینی دادند و با آب افطار کردند؛ در شب دوم غذایشان را به یتیمی و در شب سوم به اسیری بخشیدند. آنها همگی مسکین، یتیم و اسیر را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را (که یک قرص نان جوین بود) به آنها دادند و آن سه شب جز آب ننوشیدند. این آیات یا مجموع این سوره در ماجرای فوق نازل شد. این واقعه هم بیانگر ایثار امام علی و اهل بیت (ع) بود و هم یکی از افتخارات و فضایل مهم علی - علیه السلام - و فرزندان او بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵: ۳۴۳).

عطار با اشاره به این ماجرا اینگونه از امام و خاندان او تکریم می‌کند:

گرفته این جهان زخم سنانش گذشته زان جهان وصف سه نانش
چو در سر عطا اخلاص او راست سه نان را هفده آیه خاص او راست
سه قرصش چون دو قرص ماه و خورشید دو عالم را به خوان بنشانند جاوید
(عطار، ۱۹۴۰: ۲۶)

و در جای دیگر چنین آورده است:

لافتی الا علیش از مصطفاست وز خداوند جهانش هل اتی است
از دو دستش لافتی امد پدید وز سه قرصش هل اتی امد پدید
ان سه قرص او چون بیرون شد براه سرنگون امد دو قرص مهر و ماه
(عطار، ۱۳۸۵: ۳۵)

مولوی نیز در غزلی در دیوان خود دارد که می‌توان گفت که به ماجرای شأن نزول سوره هل‌اتی دارد،

ای تو خموش پرسخن چیست خبر بیا بگو سوره هل‌اتی بخوان نکته لافتی بگو

(مولوی، ۱۳۶۳: غزل ۲۱۴۹)

لذا می‌توان گفت که از نظر عطار و مولوی امام علی(ع) کسی است که بالاترین درجه ایشار و دیگر دوستی را کسب کرده‌است، زیرا او خود را به رنج و زحمت می‌افکند تا دیگران در آسایش باشند، کسی که جان و یا مال خود را در راه خدا و سعادت مردم ایثار می‌کند، کسی که غذا و مایحتاج زندگی خود را برای محرومین جامعه ایثار می‌کند با این که خود نیاز به آن دارد.

بخشیدن انگشتی در نماز

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود درباره شأن نزول آیه ۵۵ مائده آورده‌است: «جابرین عبدالله انصاری گفت: یک روز رسول (ص) در مسجد نماز پیشین بگذاشت و اعرابی از میان قوم برخاست. اثر فقر به روی پیدا [بود]. روی به رسول کرد و این ابیات را انشاکرد:

وَ قَدْ مَسَّنِي عَرِيٌّ وَ ضَرَّ وَ فَاقَهُ وَ لَيْسَ لَنَا أَنْ يَمْرُدَ مَا يَحِلُّ

وَ مَا الْمُتَّهَىٰ إِلَّا إِلَيْكَ مَفْرِنَا وَ إِنْ مَفَرَ الْخَلْقَ إِلَّا إِلَى الرَّسُولِ

رسول گفت: «کیست که او را چیزی دهد و ضامنم من او را به درجه‌ای که نزدیک باشد به درجه من و ابراهیم خلیل؟ اعرابی برگردید هیچ کس او را چیزی نداد. امیرالمؤمنین (ع) در زاویه مسجد، نماز نوافل می‌کرد، در رکوع بود، انگشت برداشت تا اعرابی انگشتی از انگشت او بیرون کرد و به انگشتی فرونگرید. نگین گرانمایه بر او بود، شادمانه شد و این بیت‌ها برخواند

مَا أَنَا إِلَّا مَوْلَىٰ لَالٍ يَسُ أَرْجُو مِنْ اللَّهِ أَقَامَهُ الدِّينَ

هَمْ خَمْسَةٌ فِي الْأَنْفَامِ كُلِّهَمْ لَأَنْهَمُ فِي الْوَرَىٰ مِيَامِينِ

و جبرئیل آمد و این آیه را آورد: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ...» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۱-۲۲). قاطبه مفسران این آیه و واقعه را در شأن ولایت امام علی(ع) می‌دانند. عطار نیز در اشاره به این واقعه بزرگ و آموزنده می‌گوید:

علی را گوی تا فرمان‌بری را ببخشند در نماز انگشتی را

برو با بت پرستان داوری کن جهانشان حلقه انگشتی کن

(عطار، ۱۳۸۴: ۱۳)

اخلاص در نوع‌دوستی

از کلام و سیره عملی امام علی (ع) چنین برمی‌آید که اصل نخست در معاشرت با مردم دوستی و اظهار علاقه به دیگران است. از نظر او روابط اجتماعی سالم می‌تواند بر پایه دوستی خالص بنا شده باشد؛ لذا خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: قلب خویش را از مهر مردم و دوستی و لطف آنان سرشار کن (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: نامه ۵۳). انسان‌ها باید تلاش کنند تا محبت‌شان نسبت به یکدیگر، محبت خالصانه و بی‌طمع باشد. در عرفان اسلامی نیز نخستین ادب نوع‌دوستی و ایثار، اخلاص است. زیبایی و ارزشمندی ایثار در صورتی است که این کار بزرگ خالصانه انجام گیرد و هیچ‌گونه چشم‌داشتی از نیازمند و دیگران نداشته باشد. چنانکه اهل بیت پیامبر، هنگام ایثار نان شب خود به مسکین و یتیم و اسیر، گفتند: «تنها برای رضای خدا به شما غذا دادیم، هیچ پاداش و سپاسی از شما توقع نداریم» (انسان: ۹). اگر اخلاص نباشد «مقدم داشتن دیگری» تحقق‌یافته نمی‌کند. وقتی کسی با انگیزه‌ای غیرالهی، چیزی را به دیگری می‌دهد که خود بدان نیازمند است. در واقع، آن را به خودش داده است؛ چراکه انگیزه نفسانی و خودخواهی، او را وادار به این عمل کرده است.

در این ارتباط است که عطار به اخلاص امام علی(ع) و دیگر اهل بیت اشاره نموده و سبب نزول آیات سوره انسان در شأن عمل نوع‌دوستانه و ایثارگراانه آن‌ها را به خاطر اخلاص‌شان به‌شمار می‌آورد:

گرفته این جهان زخم سنانش گذشته زان جهان وصف سه نانش

چو در سر عطا اخلاص او راست سه نان را هفده ایه خاص او راست

سه قرصش چون دو قرص ماه و خورشید دو عالم را به خون بنشانند جاوید

(عطار، ۱۹۴۰: ۲۶)

مولوی نیز امام علی(ع) را قهرمان بی‌بدیل اخلاص معرفی می‌کند. یکی از معنوی‌ترین ماجراهایی که در مثنوی بیان شده، ماجرای جنگ عمرو بن عبدود با حضرت علی علیه‌السلام در جنگ «خندق» است. مولوی از کسی که با امیرالمؤمنین جنگ کرده است، نام نبرده و نگفته که این ماجرا واقع در کدام جنگ بوده، بلکه تنها به بیان موضوع می‌پردازد: اینکه مبارزی در یکی از جنگ‌ها به جنگ امام علی(ع) آمد و وقتی مغلوب وی شد، به آن حضرت بی‌احترامی کرد، ولی او به جای آنکه مقابله به مثل کند، مقابله به عکس کرد.

مولوی ماجرا را با اخلاص امام علی(ع) آغاز می‌نماید و به مردم می‌گوید: باید از علی علیه‌السلام اخلاص عمل آموخت. سپس به بیان حالات و مقامات امام علی(ع) می‌پردازد و در ضمن این حالات، مسائلی را در رابطه با آن بیان می‌کند:

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل
 در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری برآورد و شتافت
 او خدو انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی
 (مولوی، ۱۳۳۶: ۱۸۳-۱۸۴)
 گفت من تیغ از پی حق می‌زنم بنده‌ی حقم نه مأمور تنم
 شیر حقم نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گوا
 (مولوی، ۱۳۳۶: ۱۸۷)

به همین دلیل می‌توان گفت، تاریخ چنین واکنشی را جز از علی (ع) سراغ ندارد؛ زیرا لازمه چنین برخوردی پشتوانه ایمانی و نوع دوستی و ایثاری نیرومند به قوت امام علی (ع) لازم دارد که فقط او از چنین پشتوانه‌ای برخوردار است.

عفو و گذشت

یکی دیگر از بهترین جلوه‌های نوع دوستی عفو و گذشت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «باید بخشش کنی و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیری آیا دوست نداری خداوند شما را ببخشد؟» (نور: ۲۲). روح گذشت از تقصیر دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنان، یکی دیگر از مکارم اخلاق و جلوه‌های نوع دوستی است. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: عفو و گذشت به هنگام قدرت، روش فرستادگان الهی و اهل تقوا است (قمی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۲۰۷).

عفو حضرت علی علیه السلام یکی دیگر از صفات الهی اوست که بیش از همه شامل دشمنان وی شده. او همان‌گونه که مظهر علم و حلم و قدرت خداوندی است، مظهر عفو بی‌منت‌های او نیز هست؛ آن هم گذشت از دشمنان، مخصوصاً قاتل خویش، که نشانه علو درجه او است. امام علی (ع)، می‌دانست که ابن ملجم دشمن کینه‌توز و قاتل او در آینده خواهد بود، (مبرد، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۴۶) اما با این حال، از کشتن وی سرباز می‌زد و می‌گفت: «کیف اقتل قاتلی». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۲۸۴) «چگونه او را که مقدر است مرا بکشد، بکشم؟ با آن که پیامبر (ص) کشته شدن علی به دست ابن ملجم را بر او معلوم گردانیده بود، امیرالمؤمنین (ع) پیوسته به ابن ملجم نیکی می‌کرد» (فروزانفر، ۱۳۹۳: ۱۴۸-۱۴۹).

پس از آنکه ابن ملجم به ایشان ضربت زد، شربت‌ی برای علی (ع) آوردند. ایشان به ابن ملجم اشاره نمودند. ابن ملجم از خوردن آن - به خیال آنکه با زهر آمیخته است - اجتناب کرد. عطار در این باره می‌سراید:

چون که آن بدبخت آخر از قضا
ناگهان آن زخم زد بر مرتضا
مرتضا را شربتی کردند راست
مرتضا گفت که خونریزم کجاست
شربت او را ده نخست انگه مرا
زان که او خواهد بدن همره مرا
شربتش بردند، او گفت «اینست قهر
حیدر اینجا خواهم کشتن به زهر»
(عطار، بی تا: ۳۵)

مولوی نیز پاسخ امام علی(ع) را در ارتباط با برخورد ابن ملجم چنین بیان می‌کند:
گفت پیغمبر به گوش چاکرم
کو برد روزی ز گردن این سرم
کرد اگه آن رسول وحی، دوست
که هلاکم عاقبت بر دست اوست
او همی گوید: بکش پیشین مرا
تا نیاید از من این منکر خطا
من همی گویم: چو مرگ من زتوست
با قضا من چو توام حيله جست
او همی افتد به پیشم: کای کریم!
مر مرا کن از برای حق دو نیم
من همی گویم: برو «جف القلم»
زان قلم بس سرنگون گردد علم
(مولوی، ۱۳۳۶: ۱۸۹-۱۹۰)

نتیجه‌گیری

در خاتمه، می‌توان سیمای نوع دوستانه امام علی(ع) در اندیشه‌های عرفانی عطار و مولوی را ترسیم نمود تا بتواند الگویی باشد برای انسان‌ها در عصر و جهانی که خودخواهی بر آن حاکم گشته، انسانیت و ارزش‌های والای انسانی کم‌رنگ شده و روحیه ایثار، احسان و نوع دوستی به فراموشی سپرده شده است.

-نوع دوستی یا دیگرخواهی نوعی رفتار است که به واسطه آن انسان داوطلبانه و آگاهانه رفع نیازهای دیگران را در اولویت قرار می‌دهد گاهی از به علاقه به دیگران و کمک به آنها، محبت و خیرخواهی بی‌ریا و بی‌توقع، آرزوی خوشبختی و سعادت برای دیگران بدون انتظار پاداش تعبیر می‌شود که به اشکال گوناگونی چون سخاوت و بخشش و نجات دیگران متجلی می‌شود. لازمه نوع دوستی بیش از هر عاملی اهتمام به امور دیگران است. در منابع اسلامی از نوع دوستی به ایثار تعبیر می‌شود، که از برجسته‌ترین فضایل و ارزش‌های انسانی ستوده شده در قرآن و سخنان پیشوایان اسلام است.

- حس نوع دوستی در میان عرفای مسلمان جایگاهی بس بزرگ داشته و عالی ترین درون مایه عرفان اسلامی به شمار می آمده است. آن ها همواره می کوشیدند یک نوع بینش بشر دوستانه و یک نوع سبک زندگی مبتنی بر نوع دوستی را ترویج دهند. عارفان بزرگ اندیشه ای بشری و جهانی، همچون عطار و مولوی، به دور از تعصب و قشری نگری، همواره انسان را به صفات نیکویی از قبیل تحمل یکدیگر، بخشش، احسان، بلند نظری، آزاداندیشی و دوست داشتن یک دیگر و پرهیز از خود محوری و ... توصیه کرده و سعی می کردند با ترسیم سیمای نوع دوستانه کسانی را که می توانند الگوی نوع دوستی باشند، زمینه ترویج آن را فراهم سازند.

- عرفا درباره شخصیت بارز و حکمت آموزه های امام علی (ع) اتفاق نظر داشته و او را پس از پیامبر (ص)، به عنوان برترین نمونه آن چیزی است که سنت عرفانی اسلام از آن به "انسان کامل" تعبیر می کند و بر این اساس، سلسله ولایت همه طریق معتبر عرفانی به امام علی (ع) متصل می شود. آنها امام علی (ع) را امام طریقت تصوف می دانند.

- عطار و مولوی، دو تن از قله های عرفان و ادب اسلامی سده هفتم امام علی (ع) را در گفتار و کردار اسوه انسان و انسانیت دانسته و بر ابعاد شخصیتی او، از قبیل مهربانی، شجاعت، مردانگی، نوع دوستی و ایثار تأکید داشته و آن را الهام بخش ارزش های والای انسانی دانسته اند. آن ها امام علی (ع) الگوی ایثار معرفی نموده اند که همه هستی خود را در عین نیاز می بخشد و فراتر از آن، از جان خود نیز می گذرد و مصداق عینی کلام خدا می گردد که «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹).

- عطار و مولوی، مانند بسیری از عارفان بزرگ مسلمان، ضمن تأکید بر داشتن راهنمای معنوی در سلوک و تربیت اخلاقی، با اشاره بر وقایع مهم تاریخی در زندگی امام علی (ع) او را الگوی نوع دوستی، فتوت و ایثار معرفی می کنند، که برخی از آن ها عبارتند از: خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر (ص) در ليله المبيت، بخشیدن انگشتری به فقیر در هنگام رکوع، ایثار طعام بر مسکین و یتیم و اسیر، سپر بلا بودن برای پیامبر و مسلمانان به ویژه در جنگ خندق و فتوت و جوانمردی و ...

- آن ها بر اخلاص در نوع دوستی و ایثار امام بسیار تأکید می ورزند و آن را برخاسته معرفت، یقین و ایمان کامل او می دانند که به عنوان کامل ترین تربیت یافته مکتب اسلام، همواره از تمامی انسان ها می خواهد که به چشم هم نوع به یکدیگر بنگرند، کرامت انسانی را در میان هم پاس دارند و در رفع حوائج یکدیگر بکوشند، در گرفتاری ها به یاری هم بشتابند و انسان های دیگر را دوست بدارند.

در مجموع عطار اساس طریقه خویش را بر ترویج روح نوع دوستی و صلح طلبی و رعایت مساوات و ایثار بنا نهاده است و بیشتر از همه ذکر امام علی (ع) را در اشعار خود دارد. عطار در مقایسه با مولوی، که به اخلاص و بخشش امام اشاره دارد، به انواع جلوه های نوع دوستی در اندیشه و سیره عملی امام اشاره داشته و بر الگو بودن او تأکید می ورزد.

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن عربی (۱۲۹۳) فتوحات مکیه، ج ۱، چاپ دارالطباعه بیروت.
- (۳) أبوالفتوح رازی، حسین ابن علی (۱۳۷۵)، روض الجنان و روح الجنان، مصحح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد.
- (۴) ابن ابی الحدید (۱۴۰۴) شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم.
- (۵) احمدی، سیروس (۱۳۸۸) بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل موثر بر آن، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۲، صص ۸۷-۱۰۸.
- (۶) بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۵). *فیه ما فیه*؛ به تصحیح و اهتمام حسین حیدرخانی (مشتاقعلی). انتشارات سنایی، تهران:.
- (۷) بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۳۶). *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسن، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- (۸) بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۳) کلیات شمس یا دیوان کبیر، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، امیرکبیر، تهران.
- (۹) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق) *غرر الحکم و درر الکلم*، دار الکتب الإسلامی، قم.
- (۱۰) جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق) *مصباح الشریعہ*، اعلمی، بیروت.
- (۱۱) خوانساری، آقا جمال‌الدین؛ شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر *غرر الحکم*، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۱۶.
- (۱۲) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹) لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- (۱۳) رجایی، وحید (۱۳۴۵). «نقش تصوف در تربیت بشر»، *ادبیات و زبان‌ها*؛ ش ۳۹، صص ۲۵۸-۲۶۴.
- (۱۴) سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۴) شرح مثنوی (سبزواری)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- (۱۵) سعدی (۱۳۶۹) بوستان، تصحیح: غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران.
- (۱۶) سید رضی (۱۳۷۶) *نهج البلاغه*، محمد دشتی، مشهور، قم.

- ۱۷) صدیق سروستانی، رحمت الله (1369) انسان و شهرنشینی، نامه علوم اجتماعی، ج ۲، ش ۱
- ۱۸) الطهمانی النیسابوری، ابو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه (۱۴۱۱) المستدرک علی الصحیحین، دار الکتب العلمیه، بیروت،
- ۱۹) عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۶) تذکره الأولیاء، تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوار.
- ۲۰) ----- (بی تا) منطق الطیر، به تصحیح حمید حمید،
- ۲۱) ----- (۱۹۴۰) الهی نامه به تصحیح ریتر، مطبعه معارف، استانبول
- ۲۲) ----- (۱۳۶۳) هیلاج نامه، به کوشش محمد حسین مجد، انتشارات خاشع، تهران
- ۲۳) ----- (۱۳۸۵) مصیبت نامه، به کوشش محمد حسین مجد، انتشارات جبار، تهران
- ۲۴) ----- (۱۳۸۴) اسرارنامه؛ به کوشش محمد حسین مجد، انتشارات خاشع، تهران
- ۲۵) فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۹۳) مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، احادیث و قصص مثنوی: مترجم حسین داودی، امیرکبیر، تهران.
- ۲۶) فهیمی، محمدصادق (۱۳۸۷) فرهنگ ایثار و شهادت و شاخص های آن (مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت)، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۲۷) قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن (۱۳۴۰)، الرسالة التفسیریة، با تصحیحات و استدرکات فروزانفر، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، علمی و فرهنگی تهران.
- ۲۸) قمی، عباس (۱۴۰۲)، سفینه البحار و مذیته الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار، فراهانی، تهران
- ۲۹) مبرد، محمد بن یزید (۱۴۰۹) الکامل فی اللغة والأدب، دار الکتب العلمیه، بیروت
- ۳۰) متقی، علاء الدین علی بن حسام الدین (۱۴۱۳) کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، موسسه الرساله، بیروت
- ۳۱) مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران .
- ۳۲) مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، تهران.
- ۳۳) مطهری، مرتضی (۱۳۸۶) انسان کامل، صدرا، تهران.
- ۳۴) مطهری، مرتضی (۱۳۸۸) تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، تهران.
- ۳۵) مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، چاپ دهم، ج ۲۵.
- ۳۶) منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۵) جلوه های ولایت در آثار امام خمینی رحمه الله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، موسسه چاپ و نشر عروج.

۳۷) نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، تعلیق و تصحیح سید محمد کلانتر، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات بیروت، ج ۲.

۳۸) هجویری، علی بن عثمان، (۱۳۸۳) کشف المحجوب، مقدمه و تصحیح محمود عابدی، نشر سروش، تهران.

۳۹) هجویری، علی بن عثمان [بی تا]. کشف المحجوب؛ به کوشش فریدون آسیابی عشقی زنجانی، [بی جا]. نسخه pdf موجود در سایت صوفی به آدرس: www.sufi.ir

40) Aronson, E. Timothy, D,W. Robin, M,A (2002) Social Psychology, New Jersey prentice Hall.

41) Batson, C, D. Toi, M(1982) More Evidence That Empathy Is a Source of Altruistic Motivation , Journal of personality and social psychology , 43-281-292 .

42) Shah-Kazemi, Reza (2019) Imam ‘Ali *From Concise History to Tmeless Mystery*, The Matheson Trust, London, UK.

43) Scott, N., Seglow, J(2007) Altruism, New york, Mc Graw – Hill.



Imam Ali (AS)'s Altruistic mage in Thought of Attar and Rumi

Bashir Ashrafi1, Ghorban Elmi2*

PhD Student, Mysticism, University of Tehran, Tehran, Iran.

Associate Professor, Department of Religions & Mysticism, University of Tehran, Tehran, Iran. *Corresponding Author gelmi@ut.ac.ir

Abstract

The present study, using a descriptive-analytical method, has examined the altruistic and self-sacrificing image of Imam Ali (as) in the thought of Attar and Rumi. The study of their works shows that the reason why modern humans favor their ideas derives from their emphasis on human dignity and value and its most important manifestation is to love and serve human being, altruism. In their works, in addition to the sincere eulogy of Imam Ali (AS) and the expression of his attributes, they both refer to the major events of his life, expressing the kind and sacrificial character of him that God says about him: "And some people sacrifice their lives to gain God's favor." They praised Imam Ali (as) as a great model of moral virtues, especially love, sincerity, altruism and self-sacrifice, and encouraged people to follow him. Because he, who according to Attar is "the mountain of sorrow and the door of knowledge and the center of religion", considers the first principle in associating with people as love, respect and friendship of others and addresses the Malik: "Fill your heart with people's affection and their friendship and favor". "In fact, his practical life has been full respect and trust in others." Rumi also called him "the pride of every prophet and every saint" and called him the master of all believing men and women, who always considered altruism as one of the important principles of his teachings and his heart was full of loving people and guiding them.

Keywords:

altruism, sacrifice, Imam Ali (AS), Attar, Rumi

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی